



علی اعطا

**عضو هیئت رئیسه و سخنگوی شورای پنجم پایتخت**

یکی از موضوعاتی که عموما در ادبیات مدیریت شهری مطرح می‌شود، موضوع عرصه‌های عمومی و فضاهای شهری است. فضاهای شهری بخشی از عرصه‌های عمومی باز شهری هستند که در دسترس همگان باشد، متعلق به همگان – و نه تحت مالکیت خصوصی – باشد و نهادهای عمومی همچون شهرداری‌ها، به قائم مقامی از شهروندان برای بهره‌برداری از آن فضا طرح و برنامه بریزند و یا یکسره آن را در اختیار کنش‌های شهروندی، در چارچوب نظم پذیرفته‌شده شهری قرار دهند و در نهایت، آنچه جوهره شکل‌گیری یک فضای شهری است، شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در آن فضاست. فضای شهری، باید ظرفیت شکل‌گیری تعاملات اجتماعی را داشته باشد، از چنین تعاملاتی استقبال کند و در ساخت و بافت، پذیرای تعاملات اجتماعی شهروندی باشد. توسعه عرصه‌ها و فضاهای عمومی در شهر، همواره نسبتی با میزان انسان‌محوری، مشارکت‌پذیری و مردم‌گرایی حاکمیت محلی دارد که تشریح آن فرصتی مناسب می‌خواهد. از جمله رویکردهایی که در دوره چهارساله شورای پنجم پایتخت دنبال شد، موضوع توسعه عرصه‌های عمومی شهر بود تا در شهری که دالما در حال رشد و گسترش

## پس از خاموشی نورافکن‌ها

کالبدی عمودی و افقی به نفع سرمایه و البته، به نفع سوداگری است، امکان حضور، فعالیت و تعاملات اجتماعی را تقویت‌کنند. از جمله ایده‌های عملیاتی که ذیل مفهوم توسعه عرصه عمومی در شورای پنجم دنبال شد، ایده «توسعه میدانگاه‌های پیاده» بود. ما مفهومی که از میدانگاه مدنظر داشتیم، ورای یک مفهوم خالص در ادبیات علمی، بلکه معطوف به امکانات و مقدرات در بافت‌های شهری در تهران است. در گوشه کنارهای بافت‌های متراکم تهران، با فضاهای بازی مواجه می‌شویم که از اندازه‌هایی بزرگ‌تر از یک باتوق کوچک محلی برخوردارند. هدف این بود که این‌گونه فضاها در مقیاس محله‌ای و منطقه‌ای شناسایی، بررسی و تحلیل شوند و منشأ شکل‌گیری و ظرفیت‌های امروزی آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد و با حداقلی از مداخله، به نفع تعاملات اجتماعی شهروندان بازتعریف شوند و این منظر ایجاد پشتوانه قانونی برای این امر، در بودجه سالانه شهرداری ردیف مشخصی برای این منظور پیش‌بینی شود. در نیمه دوم دوران مدیریت شهری پیشین، ایده توسعه میدانگاه‌های شهری، ذیل مفهوم عرصه عمومی به چیزی فراتر از مجموعه‌ای از پروژه شهری تبدیل شد. ترکیب «میدانگاه پیاده» عبارتی بود که در دوره

شورای پنجم پایتخت به ادبیات مدیریت شهری وارد شده بود و توسعه میدانگاه‌های پیاده در شهر به عنوان یکی از مصادیق اقدامات در زمینه توسعه عرصه عمومی، جای خود را در گفتمان چند سال اخیرمدیریت شهری باز کرد. وقتی پیروز حناچی شهردار تهران شد، از جمله طرح‌های عمرانی که دنبال می‌کرد طرحی بود که در همان دوران در میدان هفت تیر به اجرا در آمد و بعد به مناسبت نام میدان، در آستانه هفتم تیر ماه سال ۹۸ با حضور وزیر وقت دادگستری، تعدادی از اعضای شورای شهر تهران و شهردار و معاونین او افتتاح شد. در جلسه افتتاح پروژه در شامگاه سه‌شنبه ۴ تیر ۹۸ در میدان هفت تیر، همکاران شهرداری خواسته بودند به عنوان سخنگوی شورا صحبتی در مراسم داشته باشم. اشاره کردم که جدای از اقدامات فیزیکی و کالبدی برای چنین فضایی که به عنوان یک عرصه باز شهری انجام شده است، مسئله مهم‌تر برنامه بهره‌برداری از این فضا و مدیریت بهره‌برداری است. امشب که همه ما اینجا را ترک می‌کنیم و نورافکن‌ها خاموش می‌شود، این فضا چگونه بهره‌برداری خواهد شد و چگونه مورد استقبال شهروندان قرار خواهد گرفت؟ این پرسش، همچنان باقی است.



**گفت‌وگوی «شرق» با طراح شهری شهرداری ونکور درباره مشارکت شهروندی وانسان محوری**

## مدیریت بالا به پایین شهر محکوم به شکست است

شورای پنجم پایتخت به ادبیات مدیریت شهری وارد شده بود و توسعه میدانگاه‌های پیاده در شهر به عنوان یکی از مصادیق اقدامات در زمینه توسعه عرصه عمومی، جای خود را در گفتمان چند سال اخیرمدیریت شهری باز کرد. وقتی پیروز حناچی شهردار تهران شد، از جمله طرح‌های عمرانی که دنبال می‌کرد طرحی بود که در همان دوران در میدان هفت تیر به اجرا در آمد و بعد به مناسبت نام میدان، در آستانه هفتم تیر ماه سال ۹۸ با حضور وزیر وقت دادگستری، تعدادی از اعضای شورای شهر تهران و شهردار و معاونین او افتتاح شد. در جلسه افتتاح پروژه در شامگاه سه‌شنبه ۴ تیر ۹۸ در میدان هفت تیر، همکاران شهرداری خواسته بودند به عنوان سخنگوی شورا صحبتی در مراسم داشته باشم. اشاره کردم که جدای از اقدامات فیزیکی و کالبدی برای چنین فضایی که به عنوان یک عرصه باز شهری انجام شده است، مسئله مهم‌تر برنامه بهره‌برداری از این فضا و مدیریت بهره‌برداری است. امشب که همه ما اینجا را ترک می‌کنیم و نورافکن‌ها خاموش می‌شود، این فضا چگونه بهره‌برداری خواهد شد و چگونه مورد استقبال شهروندان قرار خواهد گرفت؟ این پرسش، همچنان باقی است.

شرق: مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، بی‌ارتباط با رویکرد انسان‌محوری در شهرها نیست و به عبارتی می‌توان گفت انسان‌محوری از نتایج حضور و مشارکت شهروندان در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اداره امور شهرهاست. در این رابطه، «شرق» در گفت‌وگو با حمیدرضا شایان، دارای درجه دکترای معماری از دانشگاه تهران و استادیار سابق دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور به گفت‌وگو نشسته است. شایان در حال حاضر، به عنوان طراح شهری در شهرداری ونکور کانادا، مسئولیت اقداماتی در حوزه طراحی و تدوین ضوابط و مقررات طراحی شهری و معماری در مرکز شهر ونکورور بر عهده دارد.

♦ در ادبیات مدیریت شهری، مفهوم مشارکت اجتماعی و مشارکت شهروندان، مفهوم رایجی است. از طرفی، در سال‌های اخیر به کرات در باره انسان‌محوری شهر صحبت شده است. به نظر شما چه نسبتی میان ساختار مشارکتی در مدیریت شهری و انسان‌محور بودن شهر وجود دارد؟

شهر انسان‌محور با مفهوم مشارکت شهروندان متفاوت است، اما هر دو مفهوم به هم مرتبط هستند. انسان‌محوری در شهر ناشی از مشارکت شهروندان در ساخت یک شهر است، هر چند اصول دیگری هم دارد. شهر انسان‌محور سازوکار کالبدی هم دارد. در بحث سیاسی اجتماعی در مدیریت شهری باید گفت نهادهای مدیریت شهری یا به طور خلاصه شهرداری، اگر قدرت خود را به طور واقعی از شهروندان بگیرند، می‌توان انتظار داشت که براساس آن مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های شهری به حداکثر برسد. یعنی نهادهای شهری خود را پاسخ‌گوی شهروندانی بدانند که قدرت را در آنها تفویض کردند. در واقع نحوه کسب قدرت کارگزاران شهری در نحوه مشارکت مردم نیز تأثیرگذار است. اساسا شهروندان یک شهر نسبت به تصمیم‌های اتخاذشده درباره شهرشان حساس هستند. مشارکت در این تصمیم‌ها از آنجایی که ذی‌نفع هستند، امری که مردم آن را مطالبه می‌کنند. اما روش‌های این مشارکت است که شدت و میزان این مشارکت را تعیین می‌کند و این روش‌ها نیز متناسب با ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جوامع شکل می‌گیرد. مردم در امور شهر مشارکت می‌کنند، به این شرط که خود را اثرگذار ببینند و شاهد باشند که مشارکت آنها در امور منجر به تصمیم‌گیری شده است. نکته بعد این است که کارگزاران شهری باید فرایند این مشارکت را برای مردم شفاف‌کنند و نقش خود را مشخص شهروندان را مشخص‌کنند و به دنبال خروجی دقیق باشند و مردم را در مسیر مشارکت به گونه‌ای هدایت و تسهیلگری کنند تا شهروندان به خروجی مشخص برسند. پس از آن نهاد شهری مسئول، ارتباط خود را با مردم حفظ کند. در آخر نیز نهاد مدیریت شهری باید از این مشارکت حمایت کند تا ما شاهد یک مشارکت پایدار از طرف شهروندان باشیم. اگر شهرداری به عنوان نهاد حاکم بر شهر، مشارکت را جزء ارزش‌های خود بزند و مردم را در این امر تشویق کند، مردم نیز به مرور این مشارکت و حساس‌بودن نسبت به محیط پیرامون را جزء ارزش‌های خود خواهند دانست.

♦ در سایر کشورها چه تجربی در حوزه مشارکت شهروندی وجود دارد و کدام یک در این زمینه پیشرو هستند؟

امروز بسیاری به این نتیجه رسیده‌اند که نگاه بالا به پایین در شهر محکوم به شکست است. در این بین بسیاری از کشورهای و شهرها تلاش‌های قابل توجهی کرده‌اند، مثلا از کشورهای آسیایی، هند را می‌توان مثال زد که در بحث مشارکت و معماری مشارکتی تجربه‌های قابل توجهی دارد. امروزه حتی در بحث معماری مدرن هم ما شاهد طرح‌هایی هستیم که به صورت مشارکتی پیش می‌روند و از مردم نظرخواهی می‌کنند و طرح به صورت پایلوت (نمونه) اجرا می‌شود و شرایط تغییر آن توسط مشارکت‌کنندگان وجود دارد و به این صورت طرح با بازنگری‌های مختلف بهتر و باکیفیت‌تر می‌شود و شهرداری‌ها نیز در تمام این پروسه به عنوان یک ناظر و راهبر حضور دارند. در مورد شهرهای اروپایی هم باید بگویم که اکثر شهرهای اروپایی از تاریخ قابل توجهی برخوردار هستند و بحث مشارکت هم در این شهرها از قدمت قابل توجهی برخوردار است. در بسیاری از این شهرها به خصوص شهرهای اسکانندیناوی، فعالیت داوطلبانه شهروندان مطرح است و بسیاری از پروژه‌های این شهرها توسط مردم به صورت داوطلبانه اجرا می‌شود. در واقع شهروندان به این واسطه



کسب هویت می‌کنند. این موضوع در آمریکای شمالی نیز مطرح است و تنها محدود به مدیریت شهری نمی‌شود و در سایر بخش‌ها مثل آموزش به کودکان و … نیز مطرح است.

این نوع فعالیت‌ها را می‌توان در تمامی سطوح، چه سطوح محله‌ای و منطقه‌ای و چه در سطح کلان شهری مشاهده کرد. در این فعالیت‌ها بحث‌های زیست‌محیطی و اقتصاد پایدار و… نیز توسط شهروندان مطرح می‌شود و مثلا ما در آلمان در بحث معماری شهری، بحث انرژی پایدار را داریم که توسط مردم مدیریت می‌شود.

غیر از این، در کشورهای چون ژاپن و استرالیا بسیاری از قوانین شهری به سمت قوانینی می‌رود که انسان‌مدارانه‌تر است. در این موضوع اهمیت فضای شهری و اهمیت فضای انسانی و دسترسی مساوی مردم به خدمات شهری بسیار مهم و تعیین‌کننده می‌شود.

♦ در ونکور که تجربه مستقیم در حوزه مدیریت شهری دارید، شیوه جلب مشارکت مردم چگونه است و چه فرایندی و سازوکاری دارد؟

شهرداری ونکور، ساختار قدرت خود را از مردم می‌گیرد. مردم اعضای شورای شهر را به مدت ۴ سال انتخاب می‌کنند و آنها از بین خودشان شهردار را انتخاب می‌کنند. گرایش‌های سیاسی مختلف هم بعضا تأثیرگذار است و در هر دوره شورای شهر و به تبع آن شهرداری، یک رویکرد خاص را دنبال می‌کنند. مردم علاوه بر تأثیری که در انتخاب شورای شهر دارند، در تصویب طرح‌ها و پروژه‌ها هم ورود می‌کنند. در واقع وقتی یک طرح می‌خواهد اجرایی شود، قبل از اینکه بخواد در شورای شهر تصویب شود، مسئولان شهری آن را در معرض دید شهروندان قرار می‌دهند و معرفی می‌کنند و فرایند مشارکت مردم در این طرح را هم مشخص

♦ سردر الماسیه (بخشی از اثر) 1390- مهدی فرهادیان



وقتی یک طرح می‌خواهد در شورای شهر تصویب شود، مسئولان شهری آن را در معرض دید شهروندان قرار می‌دهند و معرفی می‌کنند و فرایند مشارکت مردم در این طرح را هم مشخص می‌کنند. مثلا مردم نظرشان را درباره طرح می‌نویسند یا روی آن طرح ضریبر می‌زنند که نشان دهنده مخالفتشان است. در اینجا زنان، کودکان و اقلیت‌ها نقش پررنگی پیدا می‌کنند.

مردم مثلا نظرشان را درباره طرح می‌نویسند یا روی آن طرح ضریبر می‌زنند که نشان‌دهنده مخالفتشان است. در اینجا زنان، کودکان و اقلیت‌ها نقش پررنگی پیدا می‌کنند. مردم نظراتشان را می‌دهند و این نظرات، پیش‌نویس‌های اولیه را شکل می‌دهند که در جلسات شورای شهر مطرح می‌شود و در خود این جلسات هم مردم می‌توانند حضور داشته باشند و در رابطه با پیش‌نویس طرح‌ها نظر دهند و در نهایت شورای شهر پس از تصویب طرح آن را به شهرداری ارجاع می‌دهد تا کارگزاران شهرداری طرح را اجرا کنند.

♦ سؤالی که اینجا مطرح می‌شود، اگررد و قبول پروژه‌ها صرفا بر اساس نظر مردم صورت می‌گیرد، پس جایگاه کمیته‌ها و کارگروه‌های کارشناسی و تخصصی در تصمیم‌گیری‌ها کجاست؟ آیا نظرات آنها بر اساس دیدگاه شهروندان وتومی‌شود و یا بالعکس؟

این پرسش بسیار مهمی است و اتفاقا یک فاز دیگر مشارکت، بحث گروه‌های تخصصی است که این گروه‌ها به طراحان و مدیران شهری مشاوره‌های تخصصی می‌دهند. این گروه‌ها مجموعه‌ای از متخصصان هستند که در پروژه‌های بزرگ و بااهمیت، نظر تخصصی می‌دهند. یا طرح‌ها را رد می‌کنند یا تأیید می‌کنند یا شروطی می‌گذارند که اجرائی آن پروژه ملزم به رعایت آن شروط است. در این شیوه مشارکت، نیروی تخصصی مردم به کار گرفته می‌شود. این گروه‌ها در محله‌هایی خاص که حساسیت بیشتری در مورد آنها وجود دارد، بیشتر شکل می‌گیرند و از توان تخصصی مردم محل استفاده می‌کنند و مشارکت، به این شکل تحقق پیدا می‌کند. هر چه مالکیت در محله‌ها بیشتر باشد و افراد ساکنان دائمی آن محله باشند، نسبت به پروژه‌ها و طرح‌های آن محله حساس‌ترند تا محله‌هایی که اکثر ساکنانشان مسافر هستند.

♦ در شهر تهران در دوره مدیریت قبلی، کارهای بسیاری در جهت انسان‌محور شدن شهر تهران انجام شد، یکی از پروژه‌ها توسعه میدا نگاه‌های عمومی برای مردم بود. به نظر شما چنین پروژه‌هایی تا چه اندازه در جلب مشارکت مردم تأثیرگذار هستند؟

وقتی در شهر فضاهایی برای حضور غیررسمی مردم وجود داشته باشد و مردم در این فضاها مساوات و عدالت را ببینند، در این فضاها اگر مردم بین همه اقشار و همه افراد با هر ویژگی جسمی حرکتی، جوان، سالمند و… بتوانند حضور داشته باشند، افراد با اعتقادات مختلف فرصت این را خواهند داشت که خود را در این فضاها بیان کنند. یک ویژگی که شهرهای ایران به خصوص تهران دارد این است که ما شاهد لایه‌های مختلف توسعه شهری هستیم. چیزی که در شهرهای آمریکای شمالی نمی‌بینیم. این میدانگاه عمومی جایی است برای بروز زندگی مردم. البته به طور غیررسمی. کسی به مردم نمی‌گوید در این میدانگاه‌ها چه کار کنید. یکی در این فضا می‌نشیند، یکی استراحت می‌کند و دراز می‌کشد و مردم خودشان نسبت به عرف‌های فرهنگی حساسیت لازم در نشان می‌دهند و این آزادی باید به مردم داده شود، چه در طراحی این فضاها چه در مدیریت این فضاها. نکته بعد عدالت در توزیع چنین فضاهایی است. به گونه‌ای که همه مردم بعد از ۵ تا ۱۰ دقیقه پیاده‌روی بتوانند به چنین فضاهایی برسند که آنجا قرار بگذارند. قدم بزنند، هنر و فرهنگ را در آنجا به نمایش بگذارند. قرارگیری این فضاها که فعالیت‌های مختلف در آنها جاری باشد و زندگی در شهر در آنها وجود داشته باشد و دسترسی مردم به آنها راحت باشد، معلولان بتوانند استفاده کنند، تمیز باشد و متناسب با شرایط آب و هوایی متفاوت باشد و گروه‌های سنی مختلف بتوانند فعالیت بکنند و متناسب با هویت محله باشد و برای مردم محله خوانایی داشته باشد و از اشارات مردم محله بهره‌مند باشد. اقتصاد محله‌ای در آن جاری شود و بتواند به چرخ اقتصادی محله کمک کند. اینکه آن فضا فعال است و نیازهای اولیه‌شان در آنجا پاسخ داده شود و امن باشد و این امنیت از طریق حضور اکثر شهروندان تأمین شود.

### آگهی انتخابات انجمن صنفی کار گری کار گردانان

### سینمای مستند استان تهران

به استناد تبصره یک ماده ۱۳۱ قانون کار و آیین‌نامه مصوب آبان‌ماه۱۳۸۹ هیات محترم وزیران و سایر مدارک ارسالی و انجمن فوق‌الذکر به شمار ۷۲۷-۱/۳-۷ در اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران به ثبت رسیده است.
اسامی اعضای اصلی و علی‌البدل هیات مدیره که در مجمع عمومی مورخ ۱/۳۱/۱۴۰۱ انتخاب گردیده‌اند از تاریخ مذکور به مدت دوسال و بازرسان آن‌ها به مدت یکسال دارای اعتبار هستند.

سمت اعضای هیات مدیره که به موجب صورت‌جلسه مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۰ تعیین شده‌اند، به شرح زیر است:

۱- آقای پیروز کلاتری – رئیس هیات مدیره

۲- خانم مونا زاهد – نائب رئیس

۳- آقای رضا عاطفی – خزانهدار

۴- آقای غلامرضا کتال- عضو اصلی و دبیر

۵- خانم زهرا عطاری- عضو اصلی هیات مدیره

۶- آقای علی شاه‌محمدی- عضو علی‌البدل هیات مدیره

۷- آقای محمدرضا روشن قیاس – عضو علی‌البدل هیات مدیره

۸ – آقای محمدصادق جعفری – بازرس اصلی

۹- خانم یلدا سلیمان جود – بازرس علی‌البدل

همچنین برابر تبصره ۳۵ مندرج در ماده ۱۵ اساس‌نامه انجمن صنفی کلیه مکاتبات اداری و اوراق عادی انجمن با افضای رئیس هیات مدیره یا دبیر، مهوور به مهر انجمن و کلیه اسناد مالی از قبیل چک، سفته و برات، اوراق رسمی بھادار و قراردادهای تعهد‌آور که به تصویب هیات مدیره رسیده باشد، با امضای مشترک رییس هیات مدیره یا دبیر و خزانهدار و مهوور به مهر انجمن معتبرخواهدبود.

**هیأت مدیره انجمن صنفی کار گری کار گردانان**

**سینمای مستند استان تهران**